

موزه، در روزنامه سفر سیاحان ایرانی

در آمد

«موزه» در ایران تاریخ مشخصی دارد، اما مجموعه اموال فرهنگی و تاریخی - به لحاظ ساخت و پرداخت - که نمادی از اندیشه و فرهنگ و هنر هر ملت است، دارای قدمتی به گستردگی هویت تاریخی کشور ماست. بی هیچ شکی، موزه، بدون مجموعه اموال تشکیل دهنده آن، نامی بی محتواست. از این رو، واژه «موزه» به خودی خود یادآور اموال فرهنگی و نگهدارنده آنها با ضوابطی مشخص است.

با شکل گرفتن نخستین موزه در ایران، اموال فرهنگی مفهوم علمی خود را، هر چند بسیار ابتدایی، درمی یابد. «موزه» از دیدگاه واژه شناختی ریشه در زبان یونانی دارد، و از دیدگاه علم موزه داری، دارای تاریخی است که بازگو کردن آن در این مقال نمی گنجد.^۱

بر پایی نخستین موزه در ایران، حکایتگر شکل گرفتن یک مؤسسه فرهنگی بر اساس الگوی فرنگی آن است. ریشه های انگیزش اولیه این اقدام را باید در ارتباط روزافزون ایرانیان با فرنگیان جست.

غربیان از زمان صفویه به ایران سرازیر شدند. موقعیت استراتژیکی ایران در منطقه از یک طرف، و نیز رشد بازرگانی و تجارت دوره صفویه، به ویژه در زمان

حکومت شاه عباس از طرف دیگر، باعث تسریع این حرکت شد. آنان با برنامه های از پیش تنظیم شده، همزمان با برخورداری از سود بازرگانی هنگفتی که از این سفرها می بردند، آداب اجتماعی و فرهنگی خود را در این سرزمین تزریق می کردند. در آغاز پایگاه نفوذ آنان دربار و اجزای آن بود. با سقوط حکومت صفوی، این حرکت به دلایل جنگهای درون مرزی و برون مرزی، کند شد.

آغاز حکومت قاجاریان با جنگهای داخلی و بعد تهاجم نیروهای همسایه قدرتمند - روسیه - به نواحی شمالی ایران همراه بود. این تهاجم که به جدا شدن بخشی از پیکره خاک کشورمان انجامید، دربار ایران را به عقب ماندگی قشون نظامی ایران نسبت به همسایه بزرگ شمالی خود آگاه کرد. در اوج این بحران، کشورهای بزرگ غرب، برای حفظ منافع خود در منطقه و نیز نفوذ در ایران، برنامه های گوناگونی را تدارک دیدند و فعالیت های گسترده ای را برای اجرای طرح های خود، پی ریختند. فتحعلی شاه نیز برای رهایی از بن بست نظامی، با فرانسویان پیمان نظامی بست. نخستین گروه نظامی فرانسوی به ایران آمدند و نوسازی قشون نظامی

۱ - برای اطلاع بیشتر نک: به مناسبت روز جهانی موزه، تهران، اداره کل موزه ها، گروه پژوهش و برنامه ریزی، ۱۳۶۴، ۱۲ ص، پلی کپی.

ایران، با نوسازی پوشاک و بیرق قشون شروع شد.^۲ پس از آنان انگلیسیان نیز به ایران آمدند، در همین دوران بود که ایرانیان نیز به دو دلیل، از طرف دربار ایران، به طرف فرنگ روانه شدند: بعضی از آنان مأموریت سیاسی داشتند و برخی دیگر مأموریت آموزشی. ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) نخستین نماینده گروه اول بود^۳، و هیأت هفت نفره‌ای که فتحعلی شاه برای تحصیل به اروپا فرستاد، نماینده گروه دوم^۴ پس از گذشت زمانی، روشنفکران نیز برای سیاحت به فرنگ رفتند.

بزرگترین دستاورد فرنگ‌رفتگان، روزنامه سفرشان بود. سفرنامه‌نویسی، در آن دوره، تا بدانجا رونق گرفت که ناصرالدین شاه برخی از مأموران سفر کرده را وامی داشت تا روزنامه سفرشان را بنویسند.

سیاحان ایرانی، وقتی که پا به فرنگ می‌گذاشتند، واله و شیدای فرهنگ و تمدن غرب می‌شدند. آرایش شهرها و حتی روستاها و شکوه مؤسسات صنعتی و فرهنگی، آنقدر برای آنان حیرت‌آور بود، که بیشترین بخش اغلب سفرنامه‌ها را اشغال می‌کرد و جدا از آن، پس از تأسیس دارالترجمه‌ای که صنایع الدوله (که بعدها لقب اعتماد السلطنه را به خود اختصاص داد) در زمان ناصرالدین شاه مؤسس آن بود، روزنامه‌ها و کتابهای اروپایی، به ویژه کتابهای تاریخی به ایران می‌رسید و برخی از آنها ترجمه و چاپ می‌شد. تعدادی از این کتابها را اعتمادالسلطنه به طور حضوری برای شاه می‌خواند. روزنامه خوانی، تقریباً یکی از کارهای هرروزه اعتمادالسلطنه در حضور شاه شده بود.

گشت و گذار در غرب و تأثیر آن بر جامعه درباری، و بالطبع روشنفکری ایران، با رفتن ناصرالدین شاه به فرنگ در سال ۱۲۹۰ ه. ق. به اوج خود رسید. بعد از بازگشت ناصرالدین شاه، از نخستین سفر به فرنگ بود که دستور ساختن تکیه دولت، همانند آلبرت هال لندن^۵ داده شد.

در همین سال بود که نخستین موزه در ایران در مجموعه عمارت گلستان پا گرفت^۶. صنایع الدوله در روزنامه ایران، به سال ۱۲۹۳، دعوت عامی از مردم کرد تا «جواهر گرانبها و اشیای نفیسه و قدیمه» خود را «جهت اتاق موزه همایونی» به «قیمت عادلانه» در اختیار دارالطباعه قرار دهند^۷.

بعد از چندی همین موزه مورد تهدید قرار گرفت. اعتمادالسلطنه نوشت: «تالار موزه به واسطه سوء ظنی که بندگان همایونی پیدا کردند، دیگر مخزن جواهرات نفیسه و فلزات گرانبها نیست. در قفسه‌ها بلور و چینی چیده‌اند. جواهرات را در صندوقها گذاشتند»^۸.

سیاحان ایرانی دوره قاجار در فرنگ اغلب به دیدار موزه‌ها می‌رفتند؛ از این رو در روزنامه‌های سفر این افراد، موزه جای ویژه‌ای پیدا می‌کند و باید نخستین نوشته‌های موزه‌ای در ایران را در لابه‌لای متون سفرنامه‌نویسان سیاح کشورمان جست. مطالعه و پژوهش سفرنامه‌های سیاحان ایرانی - در باره موزه - از این دیدگاه صورت گرفته است.

یادآوری

در بررسی سفرنامه‌های سیاحان ایرانی، یاد آوریهای

۲ - ذکاء، یحیی. «تاریخچه تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم هجری قمری تا امروز». هنر و مردم، دوره ۴، شماره ۳۱ - ۳۸ (اردیبهشت - آذر ۱۳۴۴).

۳ - نک: مقدمه حیرت نامه: سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن. به کوشش مرسل‌وند، تهران.

۴ - نک: مقدمه گزارش سفر میرزا صالح شیرازی (کازرونی)، به کوشش همایون شهیدی. تهران، راه نو، ۱۳۶۲.

۵ - آیین پور، یحیی. از صبا تا نیما. تهران، جیبی، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۳۲۲.

۶ - برای اطلاع بیشتر نک: شیرازی، باقر. «سیمای موزه‌های کشور». مجله موزه‌ها، شماره دوازدهم (زمستان ۱۳۷۱): ۶ - ۲.

۷ - به نقل از: به مناسبت روز جهانی موزه. تهران، اداره کل موزه‌ها، گروه پژوهش و برنامه ریزی، ۱۳۶۴، ۱۲ ص، پلی کپی.

۸ - اعتمادالسلطنه. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵، ص ۱۰۶۶

زیر ضروری است:

۱- گذشته از موزه، مجموعه‌های شخصی نیز به لحاظ در برداشتن اموال فرهنگی و تاریخی، مد نظر قرار گرفته‌اند.

۲- در پایان بررسی هر سفرنامه، دو پیوست هست: پیوست اول در برگزیده‌ها، واژه‌ها، ترکیبات، استعارات و ... موزه‌ای است و پیوست دوم فهرست اموال فرهنگی - تاریخی ایران در خارج از کشور است، که سیاحان آنها را دیده‌اند و در باره آنها مطالبی نوشته‌اند.

۳- مسیر اغلب سیاحان ایرانی از راه روسیه به فرنگ بوده است. اما برخی که برای زیارت خانه خدا از ایران خارج می‌شدند به کشور عثمانی و سپس از راه مصر به مکه می‌رفتند. از این رو در تعدادی از سفرنامه‌ها مطالبی در باره موزه‌های مصر نیز دیده می‌شود.

۴- تمام سیاحان ایرانی از خاک ایران به فرنگ رفته‌اند. تنها میرزا ابوطالب خان که مقیم هندوستان بوده، از آن کشور به فرنگ رفته است. بررسی سفرنامه میرزا ابوطالب خان، سر آغاز این مجموعه خواهد بود.



نقاشی از چهره میرزا ابوطالب با رقم لثونی تاشچیان، این تصویر بر روی جلد کتاب مسیر طالبی چاپ شده است

مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان

به کوشش حسین خدیوچم

تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲، ۴۸۳ ص.

میرزا ابوطالب خان، نخستین سیاح ایرانی است که در سال ۱۲۱۳ ه. ق. برای سیاحت به اروپا، آفریقا و آسیا رفت. او شرح زندگی خود را این‌گونه نوشته است: «والد حقیر حاجی محمدبیک خان، از جماعه اتراک، مولدش عباس آباد اصفهان است. در عهد جوانی از سطوت و صولت نادری، ایران را گذشته وارد هند، و رفیق وزیر جنت آرامگاه ابوالمنصورخان صفدر جنگ، گردید ... پدر مادر من ابوالحسن بیک نام داشته، مردی متقی و دیندار، همشهری برهان‌الملک مرحوم، و از دوستان قدیم وی بود ... ولادت این بی‌سعادت در آخر سنه یک هزار و یکصد و

شصت و شش [ه. ق.] در لکهنو اتفاق افتاد. بعد مهاجرت والد، نواب شجاع‌الدوله مرحوم، به مقتضای اتحاد ایلی، مدد خرج مکتب تعیین فرمود. همواره [در] صدد تربیت و تفقد احوال این کمترین می‌بود. بعد چهارده سال در سنه ۱۱۸۰ حسب‌الطلب والد، رخصت [مرشد آباد] بنگاله کرد. این سفر اول من است که همراه مادر، در سن چهارده سالگی تا «عظیم آباد» به خشکی، پس برکشتی رو داد. بعد وصول «مرشد آباد»، یک سال و نیم در خدمت والد گذرانیده، به آفت بی‌پدیری و تکفل خدمات ملک و فوج و امور خانگی گرفتار گشت ...»

مسافرت ابوطالب خان شش سال به درازا کشید. او هر روز، وقایع سفر را یادداشت می‌کرد. بعد از بازگشت به هند، در سال ۱۲۱۹ یادداشتهای خود را به صورت

خانه عجایب عالم

سنت هلن:

مجموعه شخصی آقای رابسن

میرزا ابوطالب خان در سفر فرنگ خود، بار اول، در سنت هلن، با مجموعه‌ای از اموال فرهنگی روبه‌رو شد که گزارش کوتاه و جالبی از آن دارد. او در این جزیره میهمان «مستر بروک، کورنر سنتینا»^{۱۱} [سنت هلن] بود. آقای بروک او را به تماشای املاک خود برد و در بازگشت به خانه «کرنل رابسن» رفتند. رابسن آنها را به دیدار مجموعه شخصی خود دعوت کرد. آغاز توصیف میرزا ابوطالب خان از این مجموعه با «تماشای عجایب عالم» شروع شده است. مجموعه رابسن، چنانچه خواهد آمد، دربرگیرنده اشیای گوناگونی بود. بیشترین اموال را اشیایی تشکیل می‌داد که از طبیعت پیرامون جزیره سنت هلن به دست آمده بود و از این رو می‌توان آنها را از اشیای مجموعه‌های علوم طبیعی دانست. یادداشت او در باره این مجموعه چنین است: «کرنل رابسن که بر در خانه خود ایستاده بود، ما را فرود آورد و به تماشای عجایب عالم، که در دوسه حجره جمع کرده بود، دلالت کرد... در آن حجره‌ها اشیای بسیار از انواع حجر و صدفها و حربه‌ها و پوشاکها و کله و پوست جانوران عجیب عظیم خلقت، و بیخ درختان که به حسب اتفاق به شکل جانوری برمی‌آید، به انتظام چیده بودند از آن جمله نی‌چه‌های کهنه پیچوان هند^{۱۲} و سپری بود که در هند به

کتاب تدوین کرد و کاتبانی را گرد آورد تا از آن نسخه تهیه کند. او به انگلیس و فرانسه رفت و بعد «سفر بحرروم و ملک ایتالی» را آغاز کرد و به سرزمین عثمانی رفت، بغداد را پشت سر گذاشت و از راه خلیج فارس به هند بازگشت. این کتاب در سال ۱۸۱۰ توسط چارلز استوارت به زبان انگلیسی ترجمه شد، و در سال ۱۸۱۲ م (۱۲۲۸ ه. ق.) با نام نسخه مسیرطالبی (توسط پسرش میرزا حسین علی) در کلکته به چاپ رسید و در سالهای ۱۸۱۳ و ۱۸۱۹ به زبانهای هلندی و فرانسه برگردانده شد.^۹

«موزه» و در کل اموال فرهنگی و تاریخی، در یادداشت‌های میرزا ابوطالب خان جایگاه ویژه‌ای دارد. او با دیدن چنین اموالی به شکلی متمرکز از آنها زیر عنوان عجایب عالم یاد کرده و در برابر واژه «میوزیوم» «خانه عجایب عالم» رابه کار برد. هر جا که او با چنین مجموعه‌هایی روبه‌رو شده است، با شگفتی از آنها یاد کرده، دیدگاهی فرهنگی نسبت به موزه و اموال فرهنگی از خود نشان داده است. او در سطر سطر گزارش‌هایش سعی دارد که این نهاد فرهنگی غربی را - در حد توان خود - معرفی کند.

در شرح سفر دور و دراز میرزا ابوطالب خان، تنها موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی انگلیس و فرانسه معرفی شده است. زبان او، زبان پارسی رایج در هند است و از او غیر از این سفرنامه، تألیفات دیگری نیز به شرح زیر مانده است:

۱- دیوان حافظ شیرازی (ترتیب و تهذیب)

۲- تذکره حدیقه الافکار

۳- رساله در علم اخلاق

۴- رساله در مصطلحات موسیقی

۵- رساله در فنون خمسه طب

۶- رساله در علم عروض و قافیه

۷- لب‌السیر و جام جهان نما

۹- نک: مقدمه کتاب مسیر طالبی.

۱۰- نک: مقدمه کتاب مسیر طالبی.

۱۱- تمام جملاتی که در داخل گیومه آمده، از کتاب مسیر طالبی گرفته شده است.

۱۲- نی‌چه در فرهنگ فارسی معین به معنای نی هندی آمده و دهخدا آن را «نای یا لوله‌ای که میان قوع و انبیب فاصله است و آن دو را به یکدیگر

هشت آنه قیمت دارد. کرنل مذکور [= رابسن] مبلغی گران به قیمت آن سپر داده بود، چه گمان می کرد که آن سپر خاصه تیپو سلطان است و در رزمگاهی از دست او افتاده و به وی رسیده. خلاصه اکثر مداخل عمر کرنل صرف قیمت این اشیاء گشته، آن قدر به سیر آنها مشغول می ماند. ...» (ص ۴۶، ۴۷).

دوبلین:

«ذکر عمار [۱] ت نامدار دبلن»

میرزا ابوطالب خان در دوبلین به کالج این شهر رفت و حاصل دیدار او از این کالج یادداشت مفصلی است که در آن از دو مجموعه فرهنگی یاد کرده است: کتابخانه و موزه. از نسخ خطی فارسی کتابخانه و اجساد مومیایی مصر در موزه یاد کرده است. نویسنده، جمع آوری و نمایش اموال فرهنگی مردم این مملکت را «مرسوم و بسیار مرغوب» شمرده، که به «ترتیب شایسته» نیز به نمایش گذاشته شده اند. در میان سفرنامه نویسان ایرانی، که در دوره قاجار سیر فرنگ کرده اند، و آثارشان به چاپ رسیده، میرزا ابوطالب خان نخستین نویسنده ای است که واژه «میوزیم» را وارد زبان فارسی کرده است: «از جمله عمارات نامدار دبلن، یکی کالج، یعنی مدرسه است که تمام سنگی است ... یک حجره صد گز طول و بیست گز عرض مخصوص کتابخانه است. بر دیوارهای اطراف آن از پایین تا بالا به تدریج تخته نصب و چهل هزار کتاب، از انواع علوم در آن انتظام چیده اند؛ از آن جمله «خمسه نظامی» و «شاهنامه» و چند کتاب فارسی دیگر، خوش خط، مذهب، در غلافهای کمخاب^{۱۳} عمده بود. در ایوانی دیگر «میوزیم» است. عجایب عالم که ذکر آن در «ستلینا» به خانه کرنل «رابسن»^{۱۴} گذشت و نگاه داشتن آن مرسوم و بسیار مرغوب مردم این ملک است، به ترتیب شایسته، بر طاقتها و میزها و صندوقهای شیشه ای گذاشته اند. از آن جمله یک قالب مرده درست ملفوف به روغن مومیایی که از اهرام

مصر به دست افتاده است، دیده شد.» (ص ۷۰). باین که، میرزا ابوطالب خان، نخستین بار بود که موزه ای را می دید، ولی در باره آن کم نوشت. از مجموعه اشیای موزه، به اجساد مومیایی شده مصری اشاره کرده که از مفهوم کلامش چنین بر می آید که نخستین بار بوده که چنین چیزی را می دیده است.

کاخ ویندزور:

میرزا ابوطالب خان کاخ ویندزور را هم دید و در آن سالنهایی را مشاهده کرد که در آنها اشیای متعلق به پادشاهان گذشته انگلیس، شامل وسایل شخصی و تابلوهای نقاشی را نگهداری می کردند: «سه شنبه پانزدهم جمادی الاول سنه یکهزار و دو صد و پانزده بود که این سفر اتفاق افتاد. آن روز در شهر «ونزر»^{۱۵} که خاص سلاطین انگلند است، مقام شد. هر دو پارک «ونزر» و مسکن و مسجد عبادتخانه شاهی را، که در قلعه و از مسیرهای نامزد این جزیره است، سیر مستوفی نمودیم. در قلعه ایوانهاست که هر یک خاص سلطانی از اسلاف است. کلاه و سریر و اسلحه و اشیای مستعمله آن پادشاه، که از تحایف عالم است در آن ایوان به نوعی چیده اند.

[مؤلفه]

تو گوینی منتظر هستند بازش

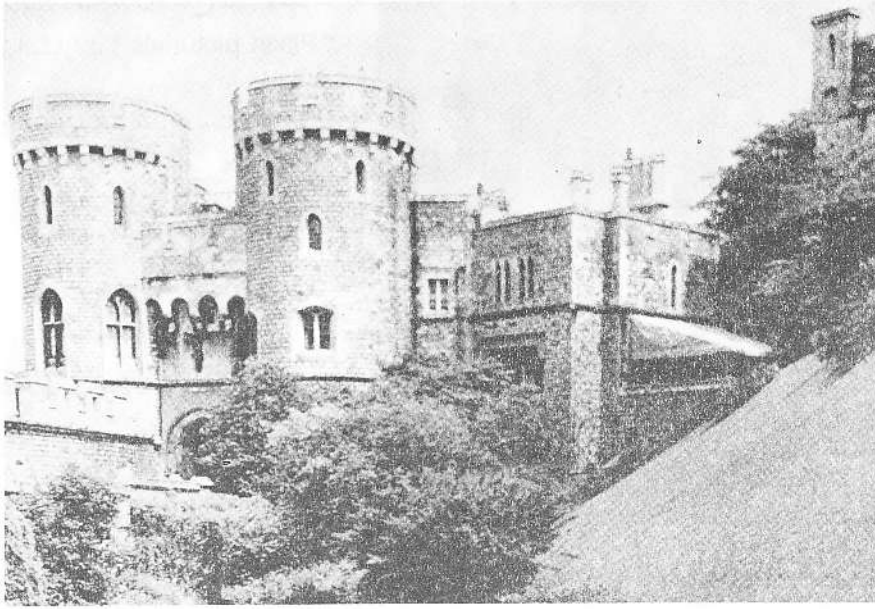
به تخت آید همین دم از فرازش

پیوند می دهد» ثبت کرده، در فرهنگ آندراج به معنی نی که بدان تنباکو کشند آورده شده است. «پیچوان» در جایی دیده نشد.

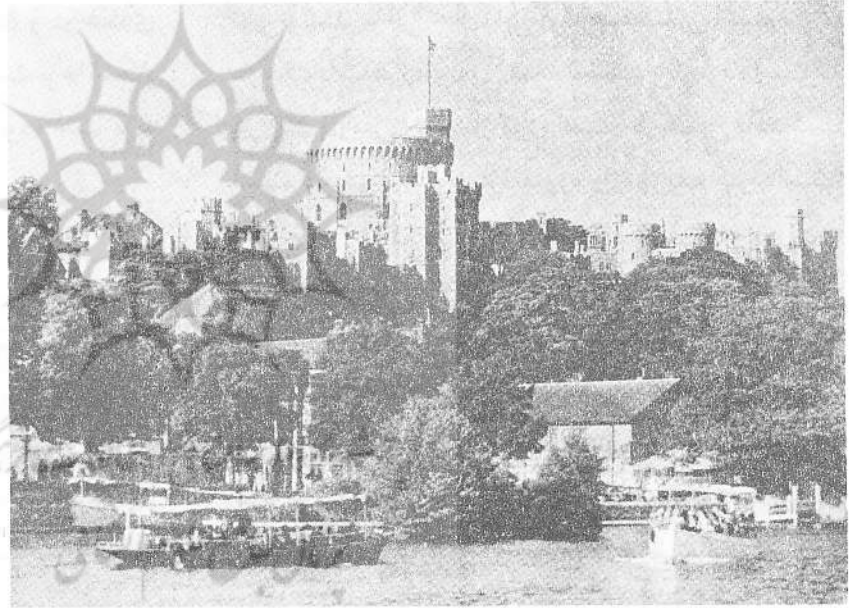
۱۳- کمخاب = کمخا = کمخاو: پارچه منقش و رنگارنگ که خواب اندک دارد. فرهنگ فارسی معین.

۱۴- در صفحه ۴۷ کتاب این اسم «رابسن» ثبت شده است.

۱۵- «ونزر» = ویندزور: WINDSOR ... شهری در یورکشایر انگلستان، کنار رود تایمز ... کاخ ویندزور از زمان ویلیام فاتح تاکنون مقر شاهان انگلیس بوده است و به وسیله چندین شاه تجدید بنا شده و گسترش یافته است. نمازخانه سنت جورج باشکوه ترین کلیسای انگلیس نیز در اینجا قرار دارد. فرهنگ فارسی معین. ج ۶، ص ۲۲۳۴.



نمای بیرونی کاخ ویندزور، برگرفته
از کاتالوگ کاخ ویندزور از انتشارات
" Pitkin picturials " سال ۱۹۸۳



دورنمای کاخ ویندزور

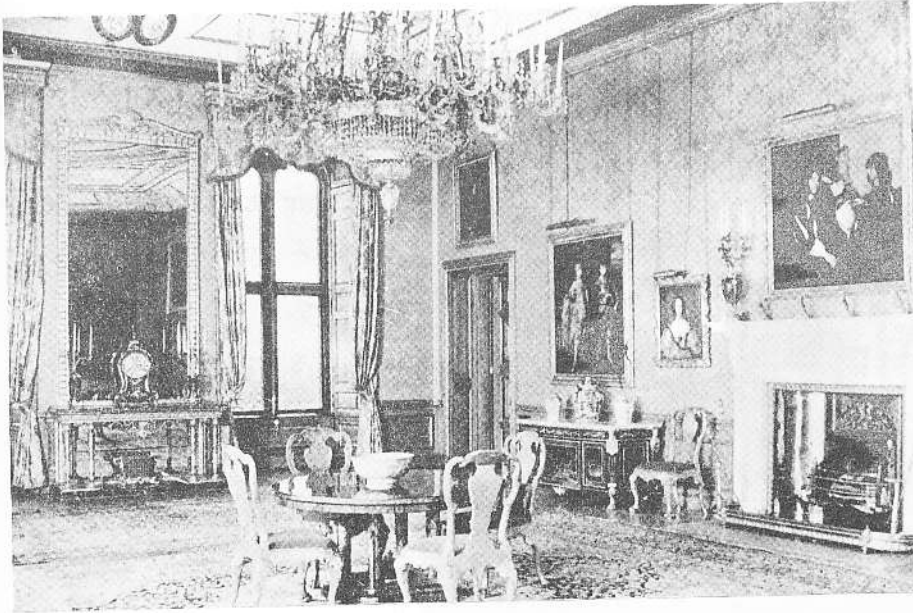
شهر بیه Borough

«لورئین میوزیم» Leverian Museum

میرزا ابوطالب خان، همچنان به سیر و سیاحت در انگلستان مشغول بود و از مؤسسات فرهنگی، گزارش تهیه می‌کرد. در ادامه یادداشت‌هایش، نگاهی گذرا به «لورئین میوزیم» هست که اطلاع رسان نیست: «... و

از آن جمله در ایوان «کنگ هنری هشتم» شبیه بیست و چهار زن صاحب جمال دیده شد که منظور نظر آن سلطان عشاق بودند. و هم در حین حیات او مصوران جادو قلم سحرکار، دراوانی که برکشور دل او مسلط شده بودند، کشیده همواره در پیش نظر خود می‌داشت (ص ۱۱۵).

بخشی از نمای درون کاخ ویندزور،
برگرفته از کاتالوگ کاخ ویندزور
از انتشارات " Pitkin picturials "
، سال ۱۹۸۳



عجایبات انسانی و حیوانی و نباتی و حجری» طبقه بندی کرده است. نویسنده، در بارهٔ این اشیاء، چیزی نمی‌نویسد. با این حال، این گونه طبقه بندی اشیاء موزه، در مکتوبات موزه‌ای، بی شک نخستین بار بوده است که در زبان فارسی جای باز کرده است. در همین یادداشت است که نویسنده، واژهٔ موزه را تعریف کرده است: «انگلش» خانه‌ای را که عجایب عالم در آن جمع و نگاه دارند «میوزیم» خوانند. در این خانه قرب صد ایوان است. هر یک منسوب به عجبیه جایی یا قسمی از عجبیه‌ای است. عجایبات انسانی و حیوانی و نباتی و حجری آنقدر در آن دیده شد که مطلقاً در حفظ نماند، مگر یکی، و آن دو شاخ قوچ دو ساله که بر سرزنی برآمده بود، بعد مردنش، از سر او کنده با تصویر او در این مقام گذاشته‌اند. عمارت «برتش میوزیم» یک سمت شهر، برکنار واقع شده. زیر دیوار

«لورثین میوزیم» در شهر «به‌ره» و خانه‌ای که در آن نقشهٔ اکثر شهرهای غریب و قدیم یونان و روم می‌نماید، و آنها مصنوعند از چوب سنگی که انگلش «کاک» و در هندی «شوله» گویند... (ص ۱۴۳). در این یادداشت بر ما آشکار نیست که آیا بنای موزهٔ لورثین نیز از چوب بوده است یا نه؟

لندن:

«ذکر اوضاع برتش میوزیم و عجایب آن»

در نهایت، بعد از پشت سرگذاردن فرسنگها راه آبی و خشکی، میرزا ابوطالب خان به لندن رسید. شهری، که در خیالش، زندگی هر روزه‌اش را، مدت‌ها، تسخیر کرده بود. بریتیش میوزیم^{۱۶}، نیز، یکی از مؤسسات فرهنگی مورد بازدید سیاح ایرانی بود. میرزا ابوطالب خان، در یادداشت خود بیشتر به ساختمان موزه و نیز محیط پیرامونی آن پرداخته است. اصطلاحات به کار برده شده در این یادداشت ارزش ویژه‌ای دارد. او در بارهٔ بخشهای گوناگون موزه نوشته است: «در این خانه قرب صد ایوان است. هر یک منسوب به عجبیه جایی یا قسمی از عجبیه‌ای است». و نیز اشیای موزه را به صورت

۱۶ - موزهٔ بریتانیایی. موزهٔ ملی علوم و ادبیات و هنر بریتانیا، واقع در لندن، در سال ۱۷۵۳ با اهداء کتب و مسکوکات و آثار عتیقهٔ سر هانس سلوان تأسیس شد و در سال ۱۷۵۹ رسماً برای استفادهٔ عامه گشایش یافت. مطابق قانون، یک نسخه از هر نشریه‌ای (روزنامه، مجله، کتاب، رساله، جزوه، آهنگ موسیقی...) که در سرتاسر امپراطوری بریتانیا انتشار یابد، باید برای ثبت حق تألیف به موزه داده شود. فرهنگ فارسی معین، ج ۶، ص ۲۰۴۴.

آن، تا چهار میل، میدان مسطح و سبزه زار است. منتهای میدان سه کوه سبز خرم هموار، و بر هر کوهی، شهری موزون معمور، که یکی از آن را «هی گت» نامند، (High Gate) در مد نظر است. به هیئت مجموعی آنقدر خوشنماست و دلپذیر است که خلل در سیر عجایب آن خانه می‌کند و نمی‌گذارد که ناظر چشم از او به جانب دیگر اندازد» (ص ۱۵۹).

لندن:

«ذکر تصویرات نامدار هند و ایران
که در لندن دیده شد»

آمد و رفت میرزا ابوطالب خان با بزرگان لندن، بزرگترین دلمشغولی سیاح ایرانی بود. در این آمد و رفتها میرزا ابوطالب خان آنچه را که به تاریخ و فرهنگ ایران و هند مربوط بود، در یادداشت‌های خود ثبت کرد. در یک میهمانی، در خانه «سرجوزف بنک» با «مستردوسی» آشنا شد. در خانه او بود که اموال فرهنگی کشورمان را دید. آنچه در یادداشت‌های او ارزش آشکاری دارد، شوق و ذوق او هنگام دیدن اموال فرهنگی کشورمان است: «... مستردوسی» از شرفای عدالت است. در خانه «سرجوزف بنک» آشنا شده، به دیدن من آمد و به خانه خود رهنمون شد. در آنجا قطعات تصویر کار [مصوران] نامدار هند و ایران، مال امرای عظیم‌الشان که در فترات متفرق به دست «انگلش» افتاده به فرنگ آمده‌اند، دیدم که طعنه‌زن بر تصاویر نامدار فرنگ بودند. از آن جمله «خمسه نظامی». بسیار خوش خط [و] مصور بود. مَهر نواب شیر جنگ مرحوم بر پشت داشت، و من آن را در صحبت او دیده بودم که چون جان عزیز می‌داشت، و گاهی از خود جدا نمی‌کرد. دیگر شاهنامه، هم از آن سرکار، تصویر این هر دو به قلم مصوران ایران بوده، همچنین مثل این قطعات که در هند حیناً به نظر می‌رسید، در خانه «مستر هشتین» و «سرفرک ایدن» که ذکرشان گذشت، و بعضی خانه‌های دیگر، در زیر

آینه‌ها بر دیوار منصوب بسیار دیده، عبرت برداشته شد.

خاقانی

کسری و ترنج زر پرویز و تره زردین

برباد شده یکسر از یاد شده یکسان

پرویز کنون گم شد، زان گم شده کمتر گو

زردین تره کو بر خوان؟ زان کمتر کو بر خوان^{۱۷}

و در کتابخانه پادشاه، چندین کتاب مصور ایرانی و

هندی به من نمودند که یکی از آنها «شاه جهان نامه» مشهور

است که به حکم شاه جهان مصوران نامدار پایتخت او، که

در خدمت حاضر می‌ماندند، صورت مجلسهای رزم و بزم او

که همه شبیهند، در آن کتاب کشیده‌اند. آن کتاب در فترت

دهلی به دست نواب آصف الدوله افتاده، همیشه با خود

می‌داشت و «سرجان شور» و «کورنر» بنگاله، از او به التماس

گرفته نذر پادشاه انگلند کرده» (ص ۱۷۱، ۱۷۲).

لندن

«ذکر قلعه لندن، جواهرخانه، اسلحه قدیم انگلش»

میرزا ابوطالب خان به دو مجموعه اموال فرهنگی

دیگر در لندن اشاره دارد:

۱- قلعه پادشاهی

۲- مجموعه اموال نظامی

۱- متأسفانه در گزارش میرزا ابوطالب خان، عنوان

«قلعه پادشاهی» معنی رسایی ندارد. به احتمال قوی

منظور نویسنده، یکی از قصرهای سلطنتی پادشاهان

انگلیس بوده است:

«از عجایب امکنه لندن قلعه پادشاهی است. مردم،

چون تماشاگاهها، مبلغی به خرج سیر آن می‌آرند. من هم به

۱۷- شکل درست شعر این است:

کسری و ترنج زر پرویز و تره زردین

برباد شده یکسر، با خاک شده یکسان

پرویز کنون گم شد، زان گمشده کمتر گو

زردین تره کو بر خوان رو «کم تر کو» بر خوان

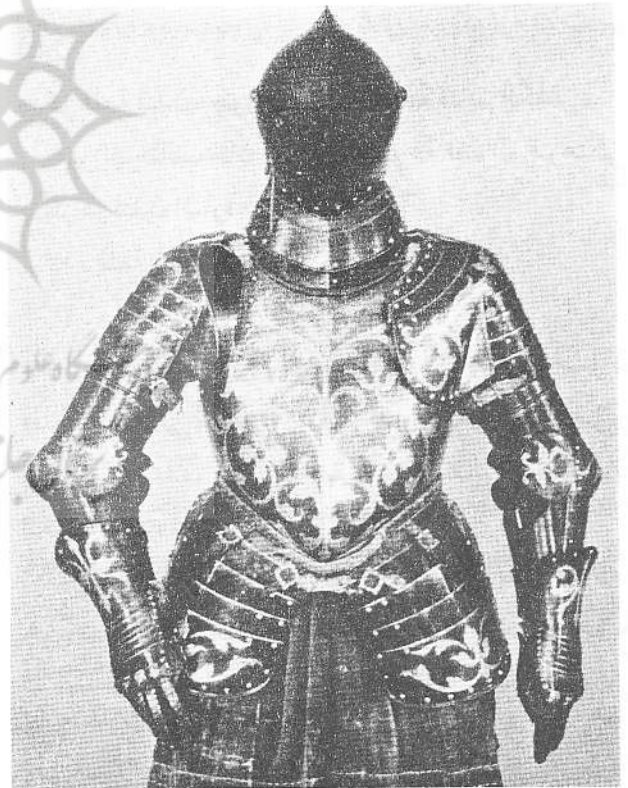
تحریر دوست شفیق « کرنل برائوت » بدانجا رفتیم. نخست انواع جانوران پادشاهی از شیر و ببر و یوز و پلنگ [۹] و میمونها و فیل و جانوران غرب الخلقه کل عالم، خصوص از ممالک افریقه که نام آن نمی دانم، و گاهی ندیده بودم، تماشا کرده شد. بعد از آن به اندرون رفته سیر تاج و عصا و سایر اشیای مرصع شاهی و زوجة او، که روز اول جلوس مستعمل است، کردم.

یک دانه زمرد و یک یاقوت که هر یک به ده لک رویه هند خریده شده در آن میان بود و دانه های الماس و سایر جواهر معمولی، تاج و عصا و غیره که در حساب نیاید در ترصیع آن به کار برده اند. در حین تماشا شد. به جهت احتیاط در را مفلح نموده بودند. با این همه [از حجاب] معجز آهین می نمودند. پس به جباخانه^{۱۸} رفتیم، در ضمن آن، آنقدر توپ خرد و بزرگ ریخته بود که تخمین آن نتوان کرد. از آن جمله دو توپ بود که بیست و پنج گز طول داشت. پایین عمارت جباخانه، حجره ای بود ربع میل در

طول که از ساز و زین شش هزار سوار و اسبهای توپخانه و ریسمانها و زنجیر عراده کشی توپها، و غیر لوازم سپاه پر بود. بالای آن ایوانی بود هفتصد قدم طولانی که اقسام بندوقها^{۱۹} و نیزه و سکین^{۲۰} و شمشیرها، به آیین شایسته، به قطار آن، چیده بودند، طعنه زن قطار سروها می نمودند. می گفتند صد و بیست هزار بندوق سلداری، و همین قدر طپانچه و شمشیر و نیزه در آن اتاق چیده است. به یک سمت آن حجره ای بود که اسلحه هجده پادشاه لندن و [براق] اسب ایشان در آن بود. بدین طریق که شبیه پادشاه و اسب، خاصه او از چوب ساخته، جامه جنگ و سایر اسلحه بر او و اسب پوشانیده، سواره ایستاده کرده اند. اگر او فی المثل زنده بودی و سلاح پوشیده، سواره داخل آن حجره شدی، ناظر فرق نمی توانست کرد که کدام یک از آن دو حی است یا مرده. با هر سوار یک تمثال خادم پیاده نیز ساخته اند.

معلوم باد که این سلاح قدیم « انگلش » است و غرابت تمام در ساخت دارد. مثل زره از حلقه های آهنی نیست، بلکه برای مجموع بدن، چون [چار] آینه، از پارچه های آهن ساخته اند، هر پارچه موافق به اعضای انسان: برای پا به شکل موزه، برای پنجه، دستانه سوتی، منقسم چون گره انگشتان، که با وجود پوشیدن آن کار نوشتن و غیره توان کرد؛ و برای دست و سر چون دستانه و کلخود [کله خود]، برای بازو، همشکل آن شانه دار، برای چهره شبیه به آن که مقابل لب و بینی سوراخ دارد. و شنیده شد، در زمان قدیم سلاطین « انگلش » بعد از گذاشتن رخت خواب تا رفتن در آن، همواره این سلاح در بر می داشتند. (ص ۲۰۸، ۲۰۹).

میرزا ابوطالب خان در « قلعه پادشاهی » به دیدار دو



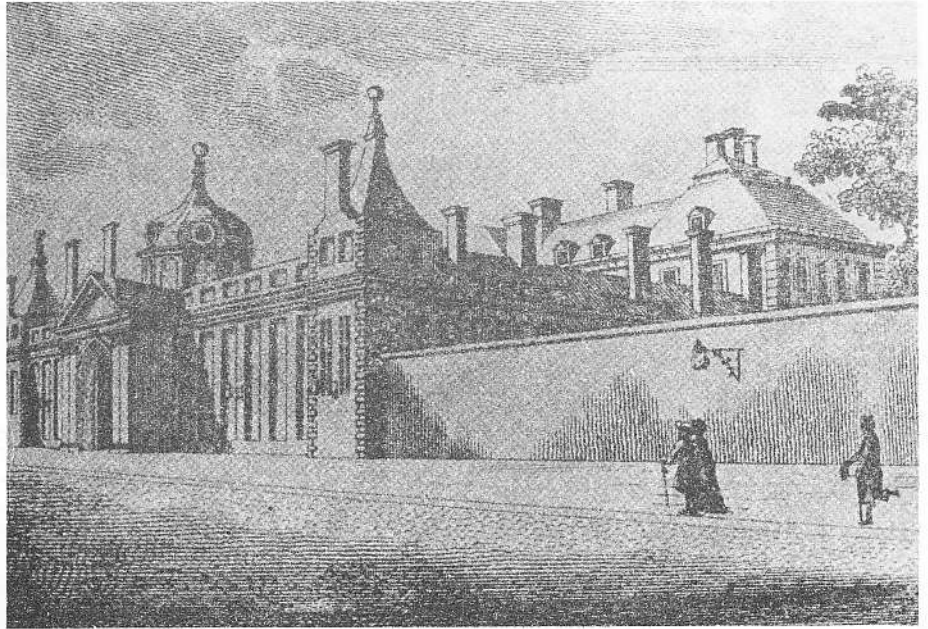
زره جنگی - قلعه نظامی لندن

۱۸ - جباخانه = جبهه خانه : قورخانه، اسلحه خانه (نک : مسیرطالبی، ص ۱۷۱)

۱۹ - بندوق: تفنگ و این مأخوذ از بندق است که به ضم اول و ثالث باشد و در عربی به معنی غلوله باشد. چون از تفنگ گلوله آهن یا سرب می اندازند لهذا مجازاً تفنگ را گویند که آلت انداختن است. لغت نامه دهخدا.

۲۰ - سکین: کارد، چاقو، قلمتراش. فرهنگ فارسی معین.

طرحی از نمای بیرونی عمارت
بریتیش میوزیوم، برگرفته از
کتاب مسیر طالبی



و «تمثال خادم پیاده او» دارد. پادشاه سوار بر اسب چوبی است. آنها جامه جنگی بر تن دارند، به گونه‌ای که «ناظر فرق نمی‌توانست کرد کدام یکی از آن دو حی است یا مرده». بی شک «شبهه پادشاه» و «تمثال خادم پیاده» او مجسمه‌های مومی بوده‌اند، که نویسنده، در نوشتن گزارش خود به آنها اشاره نکرده است.

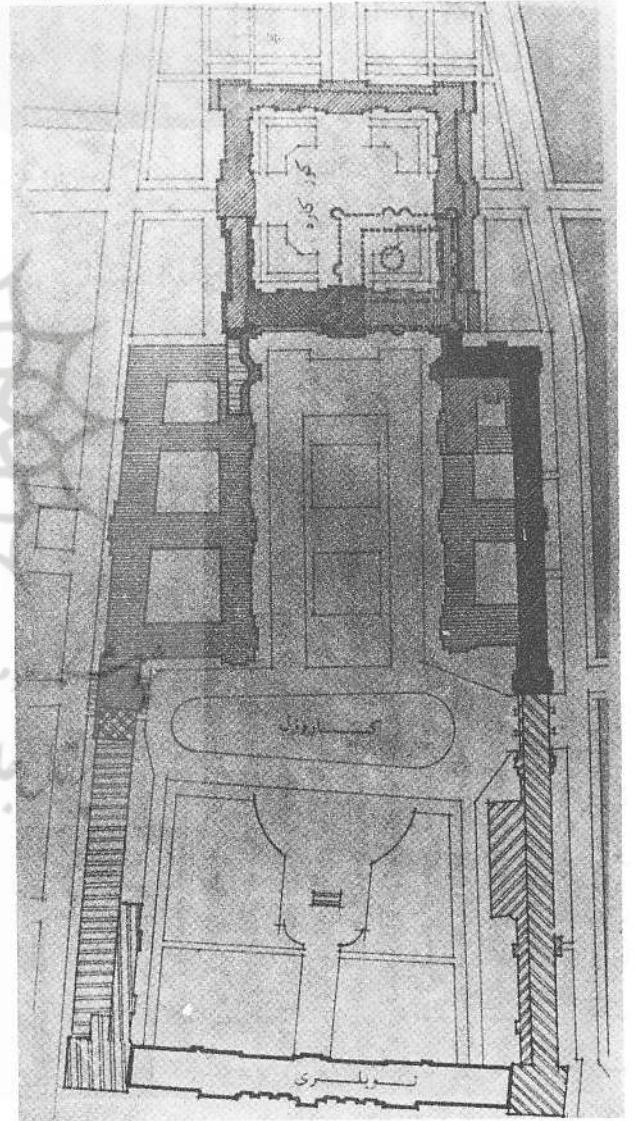
فرانسه:

«ذکر لوور»

در پاریس، میرزا ابوطالب خان به دیدار موزه لوور رفته است. خود آن را «عمارت لوور» نوشته است. یادداشت او در باره «لوور»، همانند نوشته‌اش در باره «بریتیش میوزیم» کوتاه و بیشتر ناظر بر فضای درونی و بیرونی «عمارت» است. نکته قابل توجه در این یادداشت این است که وی دیدار از این «تماشاگاه عام» را «بی‌خرج» نوشته است. دقت او در آرایش اشیای کوچک و بزرگ در «عمارت» قابل توجه است. در باره «عمارت

مجموعه رفته است. مجموعه اول، اشیای تاریخ طبیعی است. او «انواع جانوران پادشاهی» را نام برده است. اگر چه نویسنده مشخص است که با حیوانات تاکسیدرمی روبه‌رو است، ولی به احتمالی می‌توان گمان برد، که گزارش او ناظر بر حیوانات تاکسیدرمی بوده است، چرا که «قلعه پادشاهی» به هر حال نمی‌توانسته است باغ وحش باشد. بخش دیگر مورد بازدید نویسنده، غرفه جواهرات پادشاهی بوده است. او نوشته است: «بعد از دیدار از انواع جانوران» به اندرون رفته سیر تاج و عصا ... کردم» چنانکه ملاحظه می‌شود، این مجموعه توسط نویسنده در قلعه پادشاهی در دو فضای متفاوت به نمایش در آمده است. نکته ناگفته این که میرزا ابوطالب خان فضای «قلعه پادشاهی» را تصویر نکرده است. هر چند به لحاظ حفاظت، «جواهرخانه» باید در «اندرونی» قرار گرفته باشد، ولی تصور ما از بیرون «قلعه پادشاهی»، در پرده ابهام می‌ماند. در مجموعه اموال نظامی، نویسنده، توضیحات تقریباً روشن تری دارد. جدا از توصیف و شرح ابزارهای جنگی، اشاره به «شبهه پادشاه»

لوور» نوشته است: «... لوور ۲۱ است، یعنی عمارتی که تصویرات در آنجا چیده‌اند. ایضاً تماشاگاه عام و بی‌خرج است. پیکرهای سنگین بر مواضع مناسب بر ستونها [منصوبند]. چون به بالاخانه روند یک حجره بزرگ مربع است، که هر جانب آن صد گز خواهد بود و در ارتفاع، پنجاه، و وسط سقف برای روشنی گشاده و به شیشه گرفته. چون از آن بالاتر روند، داخل حجره‌ای شوند. طنبی دستور، که در عرض سی گز و در طول به قدر نیم میل راه خواهد بود. بر دیوارهای این طنبی و حجره وسیع سابق، تمام، قطعات تصاویر منصوب است که همه را در خانه‌ای طلایی - خردها



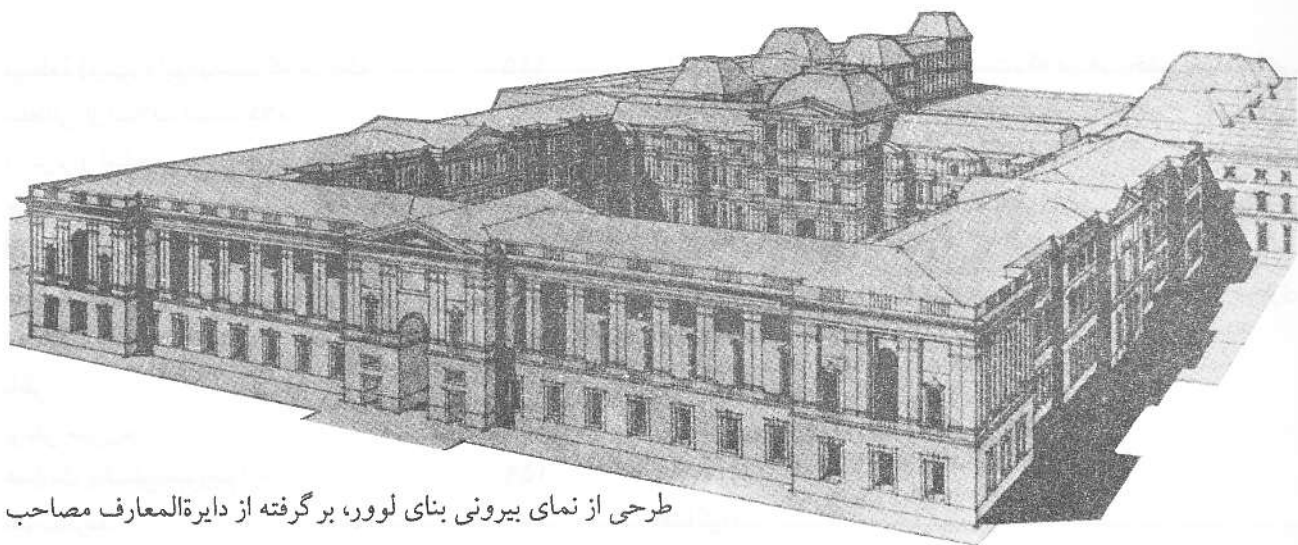
پلان موزه لوور، برگرفته از دایرةالمعارف مصاحب

زیر شیشه، و بزرگها را در همان خانه، فقط - درج کرده‌اند. عدد این تصویرات از شمار افزون است، و بیان صنعت و لطافت آن از قدرت قلم بیرون، و این بیان اندکی بر آن رهنمون» (ص ۳۱۱).

وی ضمن توضیح آرایش موزه - موزه آرایی - از «پیکرهای سنگین» که «بر ستونها» نصب شده‌اند نوشته و اشاره کرده است که نور موزه از طریق سقف شیشه‌ای تأمین می‌شود.

سفر میرزا ابوطالب خان از سال ۱۲۱۳ تا ۱۲۱۸ (= ۱۷۹۹ تا ۱۸۰۳ م) به درازا کشیده شده و علی‌الاصول در سالهای اول این سفر بوده است که

۲۱ - لوور: موزه هنری معروفی در پاریس که در اصل قصری سلطنتی بوده است. ساختمان این موزه عبارت است از مجتمع عظیم و تودرتوی عمارت با شکوهی که طی ۶ قرن توسط شاهان فرانسه بنا شده. این مجتمع در شمال رود سن واقع است... در اواخر قرن دوازدهم میلادی به دستور فیلیپ دوم فرانسه بنا شد. این قلعه مربعی شکل... از برج وسیع مرکزی به عنوان زندان، قورخانه و خزانه‌داری استفاده می‌شد. در قرن چهاردهم میلادی شارل پنجم این ساختمان معظم را برای سکونت خود برگزید و بعد از تغییرات مختصری در آنجا سکنی گزید. پس از او فرانسوای اول و هانری دوم قلعه و سنگر این ساختمان را فروریختند و پیرلسکو، به امر این دو پادشاه قسمت (جنوب غربی) را از نو بنا کرد. و قسمت اعظم با گچ‌بریهای غنی اثر ژ. گوژون به سبک رنسانس تزئین یافت. در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی گالریهای بزرگ و کوچکی در امتداد و در کنار رود سن بنا شد و قسمت اصل قصر لوور راه کاخ توپلری متصل کرد. لویی سیزدهم و لویی چهاردهم قسمت (جنوب غربی) کاخ را به وضع امروز آن در آوردند. البته بنای این قسمت بعدها به امر ناپلئون اول تکمیل و تزئین شد. ناپلئون سوم نیز با کمک معماران زمان خود، ساختمان قسمت غربی قصر را به اتمام رساند ولی ساختمان توپلری در سال ۱۸۷۱ در آتش سوخت. در ۱۷۵۰-۱۷۸۵ یک نمایشگاه عمومی از زیباترین تابلوهای سلطنتی در کاخ لوکزامبورگ تشکیل شد و این نمایشگاه با چنان موفقیتی روبه‌رو شد که در زمان لویی پانزدهم مارکی دو مارینی Marquis de Marigny طرحی برای ایجاد یک موزه دائمی در لوور را ریخت و این طرح تحقق نیافت تا زمان انقلاب فرانسه که کمیسیون مأمور اجرای آن شد (۱۷۹۲). در دهم اوت ۱۷۹۳، افتتاح موزه در گالری بزرگ صورت گرفت. در هشتم نوامبر ۱۷۹۳، به موجب ملی شدن مجموعه‌های هنری سلطنتی، موزه به صورت ملی در آمد. از ۱۷۹۴ تا ۱۸۱۵ که لوور به «موزه ناپلئون» معروف شد، شاهکارهای فراوانی از سراسر اروپا گردآورد... (نک: مصاحب، غلامحسین. دایرةالمعارف فارسی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ج ۲، بخش اول، ۱۳۵۶، ص ۲۵۳۲ - ۲۵۳۴).



طرحی از نمای بیرونی بنای لوور، برگرفته از دایرةالمعارف مصاحب

«لوور» را دیده است. میرزا ابوطالب خان در روزنامه سفر خود از «عمارت لوور» یاد کرده است در حالی که این عمارت با افتتاح یک نمایشگاه نقاشی در تالار بزرگ آن، در سال ۱۷۹۳ به موزه تبدیل شد.

پیوست اول

باتوجه به تاریخ دیدار میرزا ابوطالب خان از فرنگ، احتمالاً باید گزارش او را از موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی، نخستین متن مکتوبات موزه‌ای ایران در زمان قاجار دانست. اگر چه نویسنده، به زبان انگلیسی تسلط داشته، و واژه خارجی «موزه» را، وارد زبان فارسی کرده، ولی در بقیه موارد، مثل توصیف اشیا، طبقه‌بندی آنها، نمایش و محل نمایش ... از زبان فارسی سود جسته است. آنچه در زیر می‌آید واژه‌ها و عبارات مربوط به موزه و موزه‌داری است که در سفرنامه میرزا ابوطالب خان آمده است که توضیح آنها نیز در برابرشان نگاشته می‌شود.

متن	شماره صفحه	برخی توضیحات ضرور
تماشا	۴۶	بازدید
عجایب عالم	۴۶	مجموعه اموال فرهنگی / قدیمی
دلالت	۴۶	راهنمایی
حجره	۴۶	غرفه
[اشیاء را] به انتظام چیده بودند	۴۷	منظور موزه‌آرایی است. آرایش اشیا به صورت مرتب و منظم
میوزیم	۷۰	موزه
عجایب (عالم) را به ترتیب شایسته بر طاقها و میزها و صندوقهای شیشه‌ای ...	۷۰	موزه‌آرایی و آرایش اشیا منظور است
صندوقهای شیشه‌ای	۷۰	ویتترین
عجایب عالم... و نگاه داشتن آن	۷۰	نگهداری اموال فرهنگی / قدیمی
میوزیم کالج دبلن	۷۰	موزه کالج دبلین
ونزر	۱۱۵	منظور کاخ موزه ویندزور است

منظور بخش‌های مختلف موزه است، که در هر بخش اشیاء خاص ویژه به نمایش گذاشته شده	۱۱۵	در قلعه (وینزر) ایوانهاست که هر یک سلطانی از اسلاف است، کلاه و سریر و اسلحه... در آن ایوان به نوعی چیده اند
اشیای قدیمی منظور است	۱۱۵	اشیاء مستعمله
اشیای قدیمی (= موزه‌ای) مربوط به انسانها، حیوانات، و حجری گیاهان و اشیا - احتمالاً - مربوط به ما قبل تاریخ بازدیدکننده	۱۵۹	عجایبات انسانی و حیوانی و نباتی
بریتیش میوزیوم (موزه بریتانیا)	۱۵۹	ناظر
بنای موزه بریتانیا	۱۵۹	برتش میوزیم
اهدای کرده	۱۷۲	عمارت برتش میوزیم
منظور ورودیه یا پول بلیط است	۲۰۸	نذر... کرده
بازدید، مترادف تماشا که این واژه رانیز به همین معنا به کار برده است.	۲۰۸	مبلغی به خرج سیر آن می‌آرند
منظور این است که برای حفاظت اشیا، فضای نمایشی را از پشت دیوار نرده‌ای به بازدیدکننده نشان می‌دادند.	۲۰۸	سیر
	۲۰۹	... به جهت احتیاط در را مقل نموده‌اند، با این همه (از حجاب) معجز آهنین می‌نمودند (اشیاء را) به آیین شایسته... چیده بودند
	۲۰۹	اسلحه خانه قدیم انگلش
	۳۱۱	... لوور... یعنی عمارتی که تصویرات در آنجا چیده‌اند
تماشاگاه عمومی بدون ورودیه	۳۱۱	تماشاگاه عام و بی‌خرج

فهرست اموال فرهنگی ایرانی

نام شیء

نسخه خطی خمسه نظامی - مذهب
نسخه خطی شاهنامه فردوسی - مذهب
نسخه خطی خمسه نظامی - مصور

تصاویر

۱ - تصویر میرزا ابوطالب خان
۲ - نمای بیرونی کاخ ویندزور
۳ - دورنمای کاخ ویندزور
۴ - بخشی از نمای درونی کاخ ویندزور
۵ - لباس جنگی - قلعه لندن
۶ - پلان موزه لوور
۷ - نمای بیرونی موزه لوور

شماره صفحه

محل نگهداری

۷۰	کتابخانه کالج دوبلین
۷۰	کتابخانه کالج دوبلین
۱۷۱	مجموعه شخصی آقای دوسنی - لندن

نقاشی - اثر خانم لثونی تاشچیان از کتاب مسیر طالبی

Windsor Castle, Published by Pitkin Picturials - 1983	منبع
Windsor Castle, Published by Pitkin Picturials - 1983	منبع
Windsor Castle, Published by Pitkin Picturials - 1983	منبع
Tower of London.	منبع: اسلاید
	منبع: دایرة المعارف مصاحب
	منبع: دایرة المعارف مصاحب